

اشاره

محمدتقی فخریان سال‌ها با آموزش و پرورش عجین بوده است. از زمانی که در نیشابور مسئولیت امور تربیتی را پذیرفت تا زمانی که در اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان ریاست را به‌عهده گرفت با نگرش‌های ناب اسلامی در حوزهٔ تعلیم و تربیت گام برداشت، به سازمان ملی جوانان پیوست و مدیرکل آن‌جا شد. در این سازمان نیز تحول‌آفرین بود اما روح بی‌قرارش او را آرام نکرد. مدیرکل امور تربیتی وزارتخانه شد و باز هم توان او در تربیت اجتماعی دانش‌آموزان و علم و آگاهی او در حوزهٔ روان‌شناسی و تعلیم و تربیت به یاری‌اش شتافت. مشهدالرضا(ع) او را فرا می‌خواند. مسئولیت آموزش و پرورش استان خراسان رضوی را به‌عهده گرفت. ما نیز به دیدار دوست قدیمی خود رفتیم تا به او تبریک گوئیم از فرصت بهره‌جستیم و گفت‌وگویی را با او به انجام رساندیم. زمانش بسیار کوتاه بود. اما در همین کوتاهی زمان ذهن و روحش را به‌کار گرفتیم، حاصل همین است که مشاهده می‌کنید:

● جناب فخریان، شما در حوزهٔ علوم اجتماعی نسبت آموزش و تربیت را در تحقق عدالت اقتصادی و اجتماعی چگونه می‌بینید؟

○ زیربنای هر تحول و هر اتفاق فرهنگی، آموزش و پرورش است. مسلماً هر آموزه‌ای که قرار باشد منتقل و درونی شود، بهترین بستر برای آن آموزش و پرورش است. چنانچه، در واحدهای درسی مفاهیم اجتماعی ما به‌درستی انتقال پیدا کنند و در دوره‌های ابتدایی و راهنمایی کتابها به‌طور مناسبی تألیف شوند. رابطهٔ مستقیم بین

آموزش و پرورش و مسائل اجتماعی حتماً دیده می‌شود تا دانش‌آموز که از جمع کوچک خانواده به جمع بزرگ‌تری در مدرسه حضور پیدا می‌کند، ارزش‌های متعالی در او درونی می‌شود، هم عدالت‌خواهی در او رشد می‌کند و هم جامعه‌پذیر می‌شود و تابع مقررات اجتماعی عادلانه می‌شود. آن‌گاه اگر دانش‌آموز در مسیر این مقررات اجتماعی پیش‌تر شود، به خود شکوفایی و کمالات انسانی از جمله خداجویی و عدالت‌خواهی و اعتدال در زندگی متخلق می‌شود.

ولی این که آموزش و پرورش چند درصد در اجتماع، در ساحت تربیت اقتصادی و در تحکیم نظام فرهنگی اسلامی موفق بوده است، من عرض می‌کنم که تلاش همکاران محترم در تدوین کتب درسی و معلمان و سیاست‌گزاران همه تأثیرگذار بوده و در این حرکت توانسته است اثر خود را بگذارد، اما ما چون از مبانی غیربومی هم استفاده کرده‌ایم، تعارضاتی در مسیر داشته‌ایم که ما را دچار سردرگمی کرده است. اگر آموزش و پرورش در فضاهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بتواند از مبانی پایهٔ اسلامی خودی خالصاً استفاده کند، به موفقیت‌های بیشتری دست پیدا خواهد کرد.

● در شکوفاسازی حس عدالت اجتماعی و اقتصادی در رابطه با دانش‌آموزان چه قدر موفق بوده‌ایم؟ موفقیت داشته‌ایم یا خیر؟

○ ما معتقدیم که آموزش و پرورش بهترین تداوم‌بخش شایسته بعد از خانواده که مبدأ و نقطهٔ عزیمت فرهنگ‌سازی است، می‌باشد. این فرهنگ‌سازی یک موقع از جنس دفاع می‌شود و یک زمان از جنس فعالیت‌های اجتماعی و جهادی. آموزش و پرورش تاکنون در این عرصه در بعضی از زمینه‌های تربیت اقتصادی؛ مانند شرکتهای



گفت و گو با محمد تقی فخریان، مدیر کل آموزش و پرورش استان خراسان رضوی

○ کلمه عدالت به معنای واقعی خودش، یعنی هر چیزی در جای خود قرار بگیرد و هر ذی حقی به حقوقش برسد و هر استعدادی شکوفا شود و به آنچه استحقاق دارد برسد. تعریفی که ما امروز از عدالت اجتماعی می‌کنیم، این است که در فضای عمومی هر شهر و هر مجموعه‌ای، اگر می‌خواهیم خدماتی را در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی و... ارائه کنیم بدانیم که در یک شکل مناسب خود انجام دهیم. ما خدمات آموزشی را که امروز در دورترین نقطه کشور ارائه می‌شود، براساس استعدادها و استحقاق‌های هم‌وطنانمان هنوز کاملاً فراهم نکرده‌ایم. یا در خدمات رفاهی تسهیلاتی که به سلامت روان و بدن مربوط می‌شود مثل ورزش و تربیت‌بدنی هم، اگر به‌درستی توزیع کرده باشیم، می‌توانیم بگوییم که این مصداقی از عدالت اجتماعی است. عدالت اقتصادی برمی‌گردد به سیاست‌گذاری کلان کشور در این عرصه و تربیت کارگزاران و مجریان صالح و متخصص توسط نهادهای تربیتی و آموزشی از قبیل مدارس و دانشگاه‌ها و حتی خانواده‌ها. ما در میانه راه هستیم در این تردید نداریم که نظام اسلامی ما که برگرفته از حکومت رسول‌الله(ص) و عدالت علوی(ع) است شایسته‌ترین نظام برای تحقق عدالت در عرصه‌های مختلف است. ولایت فقیه هنرش این بوده که یک جامعه‌ای را از یک نظام طاغوتی که همه روابطش ظالمانه بوده تحویل گرفته و به تدریج با گسستن آن زنجیرهای ظالمانه از فکر و ذهن و رفتار اجتماعی مردم مظلوم و مستضعف، امروز آن‌ها را به مراتب عالی استقلال، اتکاء به خود، خودباوری، استثمارستیزی و تعالی معنوی رسانده است و ما هنوز خیلی باید کار کنیم فرهنگ به تعبیر حضرت امام (قدس سره) سیصد سال طول می‌کشد تا تصحیح، اصلاح و متعالی بشود.

تعاونی دانش‌آموزی و تربیت اجتماعی در تشکیل تشکلهای مختلف دانش‌آموزی همچون بسیج و انجمن اسلامی و... تجارب ارزشمندی دارد. اگر ما به‌درستی رهبری کنیم و از ظرفیت این خرده نظام‌ها استفاده کنیم، در تربیت بچه‌ها بسیار مؤثر خواهد بود. چه عیبی دارد که دانش‌آموز درامدی کسب کند و برای خود کنار بگذارد و از درامدش برای تأمین هزینه‌های رفاهی و تحصیلی خود استفاده کند. در حوزه‌های اجتماعی هم به همین شکل تمرین نقش‌پذیری و مسئولیت‌پذیری است. بعضی از مبانی درسی کتابها خیلی پذیرفته شده‌اند، اما در عرصه اجتماعی و کارگاه عملی، ما ضعیف بوده‌ایم. به نظر می‌رسد باید در کنار کتب درسی که داریم، زمینه‌هایی مانند فوق برنامه را فراهم کنیم که دانش‌آموز در عرصه میدانی وارد شود. در ایجاد این فضا آموزش و پرورش چندان توفیق نداشته است. در عرصه تربیت اجتماعی و اقتصادی و علمی ما اندکی موفق بوده‌ایم، ولی هنوز کار اصلی انجام نشده است. اگرچه نخبگانی تربیت شده‌اند.

● **مربیان و کتب درسی ما موفق نبوده‌اند. این رفتارهای دانش‌آموزان، از بیرون و از حوزه آموزش و پرورش به آنها القا شده است.**

○ معلمین عزیز و کتب درسی فقط انتقال‌دهنده یک سلسله اطلاعات و صرفاً به‌صورت بحث و نظر در حوزه علوم اجتماعی و اقتصادی هستند، اما نتوانسته‌ایم یک کارگاه و یک فضای میدانی تربیت اقتصادی اجتماعی اعتدالی را که دانش‌آموز وارد آن شود، ایجاد کنیم. به کتب درسی از جنبه نظری خوب پرداخته‌اند، اما از نظر عملی در جامعه کمتر توفیق داشته‌ایم.

● **به‌طور کلی تعریف شما از عدالت اجتماعی و اقتصادی چیست؟**